

بازسامانی گونه‌های حذف و تحلیل آماری و آوایی آن در فواصل قرآن

چکیده

یکی از مباحث مطرح در بحث فواصل، تغییرات ساختاری یا به عبارت دیگر، ساختارشکنی فواصل است. این تغییرات ساختاری علاوه بر جنبه‌ی دلالتی و محتوایی، بر موسیقی آیات و سور قرآن نیز تأثیر می‌گذارد. یکی از انواع هنجارگریزی در فواصل، اسلوب حذف است. جستار حاضر بر آن است تا با بررسی گونه‌های حذف نظم جدیدی را ارائه کند و در ادامه جایگاه هماهنگی میان فواصل را با تکیه بر مشخصات ویژگی‌های نظام واجی زبان عربی به روش توصیفی - تحلیلی و آماری تبیین کند. بررسی‌ها نشان داد که اسلوب حذف در فواصل آیات سیزده گونه است که عبارتند از: حذف «مفعول‌به»، «فاعل»، «جواب شرط»، «اسم مخصوص به مدح»، «اسم مخصوص به ذم»، «مضاف‌الیه»، «جواب قسم»، «متعلق افعال تفضیل»، «خبر»، «تمییز»، «صفت»، «یاء منقوص معرفه» و «یاء فعل غیر مجزوم». طبقه‌ی طبیعی رساها بیشترین بسامد را در هجای پایانی آیات قرآن دارد. در فواصلی که حذف رخ داده، همخوان /n/ بیشترین فراوانی را داشته و این نشان دهنده‌ی اهمیت رعایت فواصل در آیات قرآن است. واج‌هایی که بیشترین فراوانی را در فواصل آیات دارند در طبقات خیشومی، تکریری و انفجاری قرار می‌گیرند؛ لذا این الگوی آوایی باعث رسایی، روانی و زیبایی لحن و صوت قرآن در فواصل شده‌است.

واژگان کلیدی: فاصله‌ی قرآنی، اسلوب حذف، حرف فاصله، هنجارگریزی، موسیقی آیات.

۱- بیان مسأله

سبک و اسلوب قرآن کریم از لحاظ نظم و همچنین از نظر ترکیب الفاظ بی‌همتاست، چرا که این سبک و نظم برای عرب‌های عصر نزول نیز نامأنوس بوده‌است و آنان پیش از نزول قرآن هیچگونه آشنایی با آن نداشته‌اند. همچنین آیات قرآن سرشار از ویژگی‌های منحصر به فردی است که هیچ بشری توان همانندآوری آن را نداشته و ندارد. یکی از بارزترین و گسترده‌ترین جلوه‌های زیبایی در قرآن کریم وجود توازن و هماهنگی آوایی میان هجاهای پایانی واژه‌ها در انتهای آیات هر سوره است. تناسب و هماهنگی در فواصل یا کلمات پایانی آیات و پایان بندهای آیات که در سراسر آیات قرآنی به وفور یافت می‌شود و منجر به ایجاد نظم آهنگ می‌شود، به واقع یکی از جلوه‌های اعجاز بیانی قرآن کریم به شمار می‌رود که در پرتو ژرف نگری و پژوهش در آن می‌توان به نکات و حقایق گرانسنگی دست یافت. اسلوب حذف در فواصل، از جمله پدیده‌های منحصر به فرد قرآنی است که در خارج شدن کلام قرآن از عادت شناخته شده میان عرب یعنی ایجاد هنجارگریزی یا فراهنجاری ادبی، نقش اساسی داشته و از جهات ظاهری و معنایی نقش مهمی را ایفا می‌کند. به کارگیری این اسلوب در متن قرآن باعث می‌شود به شکلی بین فرم و محتوای آیات تناسب ایجاد شود و در واقع نوعی توازن آوایی، واژگانی و نحوی پدیدار شود که همه این موارد نهایتاً افزایش ظرفیت زبانی متن قرآن را به همراه می‌آورد. نکته حائز اهمیت این است که با وجود کاربرد فراوان این اسلوب در متن قرآن، دو اصل زیبایی شناسی و رسانگی به خوبی رعایت شده‌است و متن هیچگاه دچار سردرگمی و یا نارسایی معنایی نگردیده‌است. در یک کلام می‌توان گفت که بهره‌گیری از این فرآیند زبانی نه تنها به زیبایی، فصاحت و بلاغت قرآن افزوده، بلکه به آفرینش سبکی برجسته و منحصر به فرد نیز انجامیده‌است.

پژوهش حاضر درصدد است تا بر اساس دیدگاه مفسران و قرآن پژوهان و مواردی که آنها برای اسلوب حذف در فواصل آیات ارائه می‌کنند، تغییرات ساختاری را به صورت جامع با واری آوایی، نحوی و واجی مورد واکاوی قرار دهد و با ارائه نمونه‌های عینی و مصداقی، چگونگی بازنمایی این پدیده‌ی زبانی را در فواصل آیات به نمایش بگذارد. همچنین این پژوهش تلاش دارد تا ویژگی‌های واجی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده مورد بررسی قرار دهد، تا بدین ترتیب بتواند الگویی برای شبکه آوایی حاکم بر این اسلوب در قرآن و توازن آوایی (phonological parallelism) حاصل از آن ارائه دهد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که حذف‌های صورت گرفته در فواصل در چندگونه قابل دسته بندی است؟ کدام حروف در پایان آیاتی که حذف در فواصل آنها رخ داده بیشتر تکرار شده و نسبت آنها چگونه است؟ ایجاز حذف چه تأثیری در ایجاد هارمونی فواصل داشته‌است؟ آیا می‌توان تمامی حذف‌های صورت گرفته در فواصل را به تناسب فواصل استناد داد؟

به نظر می‌رسد یکی از دلایل زیبایی شنیداری، شیوایی و روانی متن قرآن را وجود طبقات طبیعی موجود در همخوان‌ها و واژه‌های تشکیل دهنده‌ی سجع پایانی آیات است که در فواصل آنها ایجاز حذف رخ داده‌است.

۲- پیشینه‌ی پژوهش

با نگاه به منابع مکتوبی که در اختیار است می‌توان ادعا کرد، سیبویه اولین کسی است که درباره‌ی اسلوب حذف در فواصل قرآنی سخن گفته‌است. ایشان در باب «ما یحذف فی أواخر الأسماء فی الوقف» می‌نویسد: «همه آن‌چه در کلام حذف می‌شود و آن‌چه می‌توان حذف نکرد در فواصل و قافیه‌ها حذف می‌شود. فواصل مانند: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَّ» (الفجر، ۴)، «مَا كُنَّا نَبْعِ» (الکهف، ۶۴)، «يَوْمَ التَّنَادِ» (الغافر، ۳۲) و «الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (الرعد، ۹). حذف از اسم‌ها سزاوارتر است؛ زیرا حذف از آنها در غیر فواصل و قافیه‌ها نیز صورت می‌گیرد» (سیبویه، بی تا، ۱: ۳۷۹). بعدها نیز عالمان اسلامی در کتاب‌های اعجاز، بلاغت و علوم قرآنی درباره آن سخن گفته‌اند عصر حاضر برخی از پژوهشگران، اختصاصاً درباره‌ی «فاصله» و «اسلوب حذف» کتاب نوشته و گونه‌های حذف در فواصل را برشمرده‌اند. از جمله سید خضر در «الفواصل القرآنیة» مواردی از آنها را برشمرده‌است. محمود أبو حسان در کتاب «الدلالات المعنویة لفواصل الآیات القرآنیة»، محمد امین خضری در «من أسرار المغایرة فی نسق الفاصلة القرآنیة» و عبد الفتاح لاشین در «الفاصلة القرآنیة» به این اسلوب در فواصل آیات پرداخته و گونه‌هایی از آن را برشمرده‌اند.

برخی از مقالات نیز به این اسلوب در فواصل پرداخته و ساختارهای گوناگونی را برای این اسلوب ساماندهی کرده‌اند که به آن‌ها اشاره می‌شود:

مقاله‌ی «فراهنجاری‌های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معناشناسانه آن» از حسن خرقانی (۱۳۹۰). در این مقاله با گزارش آنچه سیوطی از کتاب «إحكام الرأی فی أحكام الآی» نقل کرده، شماره‌زنی ابن صائغ را افراطی دانسته‌است و علی‌رغم این ادعا که موارد را کمتر از آنچه زرکشی یاد کرده نیز می‌توان برشمرده، گونه‌های حذف در فواصل را مشخص نکرده‌است.

«بازسامانی دیدگاه و گونه‌های ساختارشکنی لفظی و ادبی در فواصل قرآن» از علی اصغر آخوندی (۱۳۹۹). در این مقاله گونه‌های تغییرات در فواصل در پنج دسته بازسامانی گردیده و برای هر کدام نمونه‌هایی ذکر شده‌است. خاقانی در بخش «حذف حرف و واژه» به چهار گونه‌ی حذف در فواصل آیات یعنی حذف حرف یاء، حذف مفعول، حذف متعلق افعال تفضیل و حذف تمیز عدد اشاره می‌کند و جنبه‌ی زیباشناختی تناسب و توافق فواصل را تقویت می‌کند.

مقاله‌ی «هنجارگریزی زبانی فواصل آیات از دیدگاه ابن صائغ» (مطالعه‌ی موردی: ۱۵ جزء آغازین قرآن) از فرزانه تاج‌آبادی و مریم قیاس زارعیان (۱۴۰۰). این مقاله بر اساس نظر ابن صائغ و شیوه‌هایی که وی برای ایجاد مراعات فواصل ارائه کرده تنظیم شده‌است. بنابراین طبق نظریه‌ی ابن صائغ این مقاله به پنج گونه حذف در فواصل یعنی حذف یاء منقوص معرفه، حذف یاء فعل غیر مجزوم، حذف یاء اضافه، حذف فاعل و نیابت دادن مفعول و حذف مفعول اشاره کرده و فراوانی آن‌ها را در ۱۵ جزء آغازین مورد احصاء قرار می‌دهد.

مقاله‌ی «الجمال البلاغی فی الحذف القرآنی برعیة الفواصل عند المفسرین و البلاغیین (دراسة تحليلیة بلاغیة)» از خالق دادم‌لک و محمود آصف (۲۰۱۱). این مقاله به چهار گونه‌ی حذف در فواصل یعنی حذف مفعول، حذف یاء منقوص معرفه، حذف یاء فعل غیر مجزوم و حذف مضاف‌الیه اشاره کرده و علت حذف‌های صورت گرفته را رعایت فواصل

عنوان می‌کند.

مقاله‌ی حاضر با استفاده از علم آمار به ساختارشناسی گونه‌های حذف در فواصل آیات قرآن پرداخته و تحلیل اسلوب حذف در فواصل قرآنی را بازسامانی کرده و فراوانی آن‌ها را مورد تحلیل قرار داده‌است که در مقالات و کتب پیش گفته مسبوق به سابقه نیست.

۳- روش پژوهش

پژوهش حاضر به شیوه‌ی تحلیلی-آماري صورت می‌گیرد. داده‌های بررسی شده در این پژوهش را تمام آیات موجود در سی جزء قرآن کریم تشکیل می‌دهند. به دلیل گستردگی دامنه‌ی تحقیق حاضر و به تبع آن حجم بالای داده‌های مورد بررسی و همچنین به منظور پیشگیری از بروز هر گونه خطای انسانی و اعتباربخشی به نتایج حاصل، در انجام این پژوهش، پیکره‌ی عربی قرآنی (the quranic Arabic corpus) تهیه شده توسط دانشگاه لیدز، به عنوان منبع اصلی استخراج داده‌ها انتخاب شد. ویژگی‌های صرفی و نحوی فواصل بر پایه‌ی اطلاعات موجود در پایگاه جامع قرآنی به آدرس (<http://quran.inoor.ir>) و *الجدول فی اعراب القرآن* (۱۴۱۸) و *اعراب القرآن* (۱۴۲۱) و *دراسات لاسلوب القرآن الکریم* (۱۴۰۴) بهره‌گیری شده‌است. در ادامه با بهره‌گیری از روش‌های مربوط به داده کاوی متن، فواصل پایانی آیات و همچنین واج پایانی هر یک از این فواصل استخراج گردید. سپس ویژگی‌های واجی هر یک از واج‌های پایانی با در نظر گرفتن نظام واجی زبان عربی تعیین و ارتباط آن با دیگر فواصل مورد بررسی قرار گرفت. همزمان با تحلیل کیفی، تحلیل کمی داده‌ها به منظور تعیین بسامد واج و دو واج پایانی نیز انجام شد. شایان ذکر است که در این پژوهش هر آیه به عنوان یک واحد یا یک خط مطابقه (concordance line) لحاظ شده و فاصله‌ی پایانی با در نظر گرفتن مکث پایانی برای هر آیه (حالت وقف) تعیین شده‌است. در ادامه تلاش شد که بر اساس ملاک‌های گوناگونی که مفسران و قرآن پژوهان برای اسلوب حذف در فواصل ارائه داده‌اند، تمامی فواصل مورد مطالعه قرار گیرد و در صورت وجود هرگونه تغییر، نوع و فراوانی آن تعیین و محاسبه شود. اطلاعات و مشخصات آوایی فواصل با در نظر گرفتن مشخصات تمایزدهنده‌ی واجی و طبقات طبیعی واج مشخص شد. در این پژوهش برای جلوگیری از اشتباه در شناخت نوع آواهای مورد بررسی، واج نگاری جهانی IPA به کار رفته‌است.

۴- تعریف فاصله

در پژوهش‌های قرآنی، تعاریف متفاوتی برای فاصله‌ی آیات ارائه شده‌است و پژوهشگران واحدهای مختلف زبانی را برای آن در نظر گرفته‌اند. برای نمونه رمانی و باقلانی فاصله را حروف همانند و هم‌شکلی در نظر گرفته‌اند که در مقاطع آیات می‌آیند و در فهم معانی مؤثرند (رمانی، ۱۴۲۹: ۹۷؛ باقلانی، ۱۴۲۱: ۵۱). الدانی و خضر فاصله را کلمه‌ی آخر جمله و زرکشی و سیوطی آن را کلمه‌ی آخر آیه در نظر گرفته‌اند (الدانی، ۱۴۱۴: ۱۲۶؛ خضر، ۱۴۲۰: ۵؛ زرکشی، ۱۴۱۰: ۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱: ۱۸۶). ابن منظور و ابن خلدون فاصله را پایان آیه می‌دانند (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱؛ ابن خلدون، ۱۴۰۴: ۱؛ ۷۸۱). حسناوی آن را توافق حروف پایانی آیات در حروف روی یا وزن تعریف کرده‌است (حسناوی، ۱۴۰۶: ۱).

۲۹). یافی فاصله را همان حروف روی یا قطعه یا جزء پایانی آیه در نظر گرفته است (یافی، ۱۴۰۴: ۱۵۴). آخوندی آن را از دو جنبه صوتی و دلالتی تعریف کرده است. طبق گفته‌ی وی از نظر صوتی می‌توان فواصل را کلمه‌ی پایانی آیات در نظر گرفت و از منظر دلالتی، می‌توان آن را عبارات و جملات پایانی و مستقل برخی آیات در نظر گرفت که در مضمون و محتوای آیه تأثیر گذار هستند (آخوندی، ۱۳۹۵: ۸۱-۹۶). در انجام تحقیق حاضر، نظر آخوندی به عنوان معیار انتخاب فواصل در نظر گرفته شده است.

۵- چارچوب نظری

در میان فراهنجاری‌هایی که در فواصل قرآنی رخ داده است، بحث اسلوب حذف از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. گروهی از جنبه‌ی زیباشناسانه و در قالب محسنات لفظی به این موضوع پرداخته و دلایلی همچون اختصار، اکتفا، تخفیف و رعایت فاصله را برای حذف بیان نموده‌اند (ر.ک: فراء، ۱۹۸۰، ۳: ۲۷۴؛ زجاج، ۱۴۱۶، ۳: ۹۰۷؛ ابن خالویه، ۱۴۱۳، ۲: ۲۱۹، ۳۳۱)، در مقابل، گروه دیگر بر جنبه‌ی معناشناسانه‌ی حذف در فواصل توجه داشته‌اند (ر.ک: بقاعی، ۱۴۲۷، ۶: ۲۵۳؛ بنت شاطی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۶۸-۲۷۱)؛ گروهی دیگر نگاهی ترکیبی داشته و از هر دو منظر زیباشناسانه و معناشناسانه به این موضوع پرداخته‌اند (ر.ک: طبق، ۱۴۱۳: ۲۱۳-۲۱۸؛ خضر، ۱۴۲۰: ۱۲۹-۱۳۲)؛ در نهایت گروهی بر پایه‌ی سبک‌های نوین زبان‌شناسی و آواشناسی به این موضوع پرداخته‌اند (ر.ک: علی الصغیر، ۱۴۲۰: ۱۵۴؛ أنیس، ۱۹۶۶: ۲۱۷-۲۱۸) بی‌تردید صرف بیان علل ادبی و بیان علت‌هایی همچون اکتفا به حرکت، بلیغ‌تر بودن اختصار، ظهور محذوف، رعایت فواصل و این قبیل موارد نمی‌تواند همواره برای توجیه علل حذف کفایت کنند؛ بلکه دلایل و وجوه دیگری را نیز باید در نظر گرفت. یکی از تعبیرهای خوب و جامع در این بحث آن است که قرآن کریم به شیوه‌ای هنری و در نهایت زیبایی میان امور گوناگونی جمع کرده است و در این اسلوب، تناسب و زیبایی لفظ و ایجاد توازن در فواصل، مقتضای حال، سیاق سخن، موسیقی و نظم آوایی کلام، جو سوره و تصویرسازی را در نظر گرفته است و حتی به مجموع تعبیرات قرآنی و نکته‌های بیانی و هنری دیگر نیز توجه دارد (سامرائی، ۱۹۸۷: ۲۱۱؛ زوبعی، ۱۹۹۶: ۳۸۶)؛ بنابراین شگرد حذف در فواصل قرآنی به عنوان عنصری زیبایی شناختی، ایقاعی و دارای الگو و ریتم آوایی، یکی از مؤلفه‌های شکل‌گیری موسیقی آیات است و با معنای مذکور در آیات همبستگی ارگانیک دارد.

چارچوب استفاده شده در این پژوهش، «واج شناسی زایشی» (generative phonology) است. مقوله‌ی واج شناسی زایشی، مجموعه‌ای از قواعد است که بر صورت‌های زیرساختی تک‌واژه‌ها اعمال می‌شود و یک صورت آوایی معین را تولید می‌کند (ر.ک: کامبوزیا، ۱۳۸۵). یکی از مفاهیم مطرح در این چارچوب، «مشخصه‌های تمایزدهنده» (Distinctive features) است. در زبان‌شناسی، «مشخصه» به ویژگی شاخصی در زبان دلالت دارد که بر حسب سطوح گوناگون مطالعات زبان‌شناسی به شیوه‌های متفاوتی تعبیر می‌شود (ر.ک: صفوی، ۱۳۸۷: ۱۲۲). به همین قیاس، آواها را نیز می‌توان با استفاده از مشخصه‌های واجی تعریف نمود که اساسی‌ترین و کوچکترین واحدهای زبانی را تشکیل می‌دهند و به صورت مشخصه‌های دو ارزشی مثبت «+» و منفی «-» بیان می‌شوند. هنگامی که مجموعه‌ای از آواها را بتوان بر اساس این مشخصه‌ها از مجموعه‌ای دیگر از آواها متمایز نمود، هر یک از این مجموعه‌ها یک «طبقه‌ی طبیعی» را

تشکیل می‌دهند. طبقه‌ی طبیعی مجموعه‌ای از واج‌هاست که بتوان آن را به گونه‌ای اقتصادی‌تر از زیرمجموعه‌های آن طبقه مشخص ساخت (۲۱۶: ۱۳۸۶, Haymann).

۶- نظام واجی زبان عربی

زبان عربی به خانواده‌ی زبان‌های آفریقایی- آسیایی تعلق دارد و دارای ۲۷ زیرگونه‌ی زبانی (sub-languages) است که در سراسر جهان عرب گسترده شده‌است (۲۰۰۲: Newman). برای تحلیل داده‌ها، ابتدا باید نظام واجی و زبان عربی کلاسیک را که همان زبان عربی به کار رفته در متن قرآن است از نظر بگذرانیم. زبان عربی کلاسیک دارای ۳۴ واج است که از لحاظ کیفی سه واکه و از نظر کمی ۶ واکه وجود دارد (جدول ۱، شکل ۱):

جدول ۱. مدخل‌های واجی زبان عربی (۲۰۰۲: Newman)

نحوه و محل تولید	لب		تیغی‌ی زبان				بدنه‌ی زبان			ریشه‌ی		چاکنایی
	دو لبی	لبی دندانانی	میان دندانانی	دندانانی	لثوی	کامی	کوتاه کامی	ملازی	ملازی	حلقی	حنجره‌ای	
همخوان‌های گرفته	انسدادی	b		t d			k	q			ʔ	
	انسدادی نرمکاهی شده			t								
	سایشی		f	θ ð	s z	ʃ			ɣ x	ħ	h	
	سایشی نرمکاهی شده			ð	z	s						
	انسایشی						dʒ					
همخوان‌های رسا	خیشومی	m			n							
	کناری				l							
	تکریری				r							
	غلت	w					j					



شکل ۱. واکه‌های زبان عربی

۷- ساختار فواصل

فاصله‌ی آیه در یکی از سه حالت ذیل قابل بررسی است:

- ۱- حرف: تمام آیات دارای «حرف فاصله» هستند. آیات حروف مقطعه تنها از این نوع فاصله برخوردارند.
- ۲- کلمه؛ غیر از آیات حروف مقطعه، بقیه آیات کلمه فاصله دارند.
- ۳- جمله؛ آیات بسیاری نیز وجود دارند که از جمله و عبارت پایانی برخوردارند که به آنها «جمله فاصله» گفته می‌شود و خود دو نوع است:

الف) جمله‌ی فاصله به صورت اسمیه یا فعلیه در پایان برخی آیات از نظر نحوی و دلالتی استقلال داشته و برای تأکید، تلخیص، تأیید و ... محتوای آیه می‌آید؛ مانند: «إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (بقره، ۱۹۹).

ب) جمله یا عبارت فاصله، جزئی از جمله بزرگتر در آیه بوده و از نظر ظاهر و دلالت استقلال ندارد؛ مانند: «وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ» (بقره، ۲۰۰). این عبارت گرچه یک جمله‌ی کامل است اما از نظر مفهومی و نحوی به جمله‌ی قبل از خود وابسته است (رک: خطیب، ۱۳۹۵، ۲: ۲۱۷؛ حسناوی، ۱۴۰۶: ۱۵۵-۱۵۶؛ مطعنی، ۱۴۱۳: ۲۳۵-۲۴۱؛ نصار، ۱۹۹۹: ۱۲۹-۱۲۸؛ ابوحسان، ۱۴۳۱: ۷۰-۷۳؛ خضر، ۱۴۲۰: ۵۷؛ صبری، ۱۴۲۹: ۱۵).

این بخش به بررسی و تحلیل آماری ساختار فواصل در زمینه‌ی حرف، کلمه و جمله می‌پردازد.

۸- گونه‌های حذف در فواصل

در یک دسته‌بندی کلی می‌توان انواع حذف‌های صورت گرفته در فواصل را به سیزده گونه تقسیم کرد. شایان ذکر است به دلیل محدودیت‌های موجود در رابطه با میزان کلمات و صفحات مقاله، برای موارد سیزده‌گانه تنها به ذکر یک یا دو شاهد مثال، ذیل هر گونه در تحقیق بسنده شده‌است.

۸-۱- حذف مفعول

حذف «مفعول به» از جمله گونه‌های حذف در فواصل است که به کرات رخ داده و نسبت به دیگر گونه‌های حذف در فواصل آیات از بیشترین فراوانی برخوردار است، خصوصاً زمانی که فعل مضارع مرفوع در دو صیغه‌ی «یفعلون» یا «تفعلون» در فواصل قرار گیرد. حذف مفعول در این دو صیغه در فواصل، فراوان رخ داده‌است. دو فعل «تعلمون» و «یعلمون» در ۱۴۹ موضع از آیات قرآن کریم استعمال شده که ۲۹ موضع آن در غیر فاصله و بقیه در فاصله واقع شده‌است.

غالباً مفعول در غیر فاصله ذکر شده است. به عنوان مثال در عبارت « فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ » (البقره: ۲۶) مفعول به صریحاً ذکر شده و فعل متعدی نیز در فاصله قرار نگرفته است. زمانی که فعل در فاصله قرار گرفته مفعول به آن حذف شده است زیرا این صیغه دارای مد و ترنم نون است، که بر اکثر فواصل قرآنی این هارمونی غلبه دارد. فقط در عبارت « قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ » (یس: ۲۶) فعل متعدی در فاصله قرار می‌گیرد و مفعول به آن ذکر می‌شود اما به منظور رعایت فواصل، مفعول به در آغاز آیهی بعد ذکر می‌شود. اهمیت رعایت فواصل و حذف مفعول در دیگر افعال متعدی مانند «یفعلون»، «تفعلون»، «یفقهون» و ... را می‌توان همین مسأله عنوان نمود (خضرم، ۱۴۲۰: ۱۲۹-۱۳۰).

۸-۲- حذف فاعل

از جمله اغراض لفظی حذف فاعل، مراعات فواصل است (نجفی، ۱۳۸۱: ۹۳). از نمونه‌های به کارگیری صنعت حذف در فواصل، حذف فاعل در آیات سوره‌ی تکویر در به کارگیری افعال مجهول است: «وَإِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ * وَإِذَا الْعُشَارُ عُطِّلَتْ * وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ * وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ * وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ * وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ * بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ * وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ * وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ * وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِّرَتْ * وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ * عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ » (تکویر: ۱-۱۴) (مرسی، ۱۴۲۰: ۱۰۱؛ سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۹۵؛ أبو حسان، ۱۴۳۱: ۲۰۴). در این آیات، ۱۲ آیه به صورت فعل ماضی مجهول آمده است. موسیقی مناسب و آهنگ متناسب با این حوادث و توافقی که در فواصل آیات است زیبایی خاصی به این آیات بخشیده است به طوری که احوال و وقایع قیامت به گونه‌ای فکر و ذهن انسان را مشغول می‌سازد که انسان به هنگام خواندن این آیات به فاعل توجهی نمی‌کند و فایده‌ای بر ذکر فاعل وجود ندارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۶: ۱۸۵).

۸-۳- حذف جواب شرط

در جملات شرطی، دو رکن اساسی «شرط» و «جواب شرط» وجود دارد که از نظر معنا متوقف بر یکدیگرند. گاهی رکن جواب شرط در این جملات به منظور رعایت فاصله حذف می‌شود که باید برای تکمیل فهم معنا، به حکمت آن پی برد. از نظر فصاحت و بلاغت، لفظ مذکور باید بر محذوف دلالت کند تا جملات معما گونه نباشد (صفائی حائری، ۱۴۲۰: ۲۹۳).

از نمونه‌های حذف جواب شرط در فواصل، می‌توان به آیات ۸ الی ۱۱ سوره‌ی مرسلات اشاره نمود: «فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ * وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ * وَإِذَا الرُّسُلُ أُقْتَتَتْ ». این آیات بیانگر روز موعودی است که از وقوع آن خبر داده و فرموده بود: «إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ» (مرسلات: ۷) و جواب کلمه «اذا» حذف شده؛ زیرا جملات «لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ... لِلْمُكَذِّبِينَ» (مرسلات: ۱۲-۱۵) بر آن دلالت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۷۴، ۲: ۲۳۸). گونه‌ی حذف جواب شرط برای اولین بار در تفسیر بیضاوی ذکر شده است. وی علت حذف جواب شرط را در فواصل آیات، محافظت و موافقت رؤس آیات عنوان می‌کند و ضمن بیان علل زیباشناختی به بیان ارتباط و علل معنایی نیز می‌پردازد (ر.ک: بیضاوی، ۱۴۱۸، ۲: ۱۳۷).

۴-۸- حذف اسم مخصوص به مدح و ذم

اسلوب مدح و ذم از سه رکن اساسی یعنی «فعل مدح یا ذم»، «فاعل» و «اسم مخصوص به مدح یا اسم مخصوص به ذم» تشکیل شده است (الصبان، ۱۴۲۵، ۳: ۴۱). اسم مخصوص بالمدح یا بالذم گاهی به سبب مراعات فواصل و وجود قرینه محذوف می‌شود که این ساختار را به زیبایی می‌توان در فواصل آیات قرآن مشاهده نمود.

به طور مثال در آیه ۱۶ سوره ی ملک: «وَلِلَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ»، اسم مخصوص به ذم حذف شده و موجب رعایت فواصل سابق و لاحق شده است. عبارت «بِئْسَ الْمَصِيرُ» در فواصل ۱۱ آیه (بقره: ۱۲۶؛ آل عمران: ۱۶۲؛ انفال: ۱۶؛ توبه: ۷۳؛ حج: ۷۲؛ نور: ۵۷؛ حدید: ۱۵؛ مجادله: ۸؛ تغابن: ۱۰؛ تحریم: ۹؛ ملک: ۶) قرار گرفته و موجب ایجاد آهنگی مترنم و موزون در فواصل آیات شده است.

احمد سمین از مفسران قرن هشتم، در تفسیر خود به این گونه اشاره کرده و علت نیکو بودن حذف صورت گرفته را مراعات فواصل بیان می‌کند (رک: سمین، ۱۴۱۴، ۱: ۵۰۸).

۵-۸- حذف مضاف الیه

مضاف الیه اسمی است که به آن اسم سابق نسبت داده شود، و آن «اسم یا جمله» است که به واسطه‌ی حرف جر مقدری که مراد و مقصود است، اسم دیگری به آن اسناد داده می‌شود که اسم اول را مضاف می‌گویند که مضاف بر حسب موقعیتش در کلام اعراب می‌گیرد و اسم دوم مضاف الیه نام دارد (جرجانی، ۱۹۸۲، ۲: ۸۲). یکی از مواضع حذف مضاف الیه، ضمیر یاء متکلم است که در شماری از آیات کریمه‌ی قرآن از انتهای آیات حذف گردیده و هماهنگی فواصل را سبب شده است. از نمونه‌های آن است: «فَسَتَّعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرٍ» (ملک: ۱۷)، «لَكُمْ دِينُكُمْ وَ لِي دِينِ» (کافرون: ۶)، در اصل «نذیری» و «دینی» بوده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۹۲؛ مرسی، ۱۴۲۰: ۹۸).

لازم به ذکر است که تمام مواضع حذف مضاف الیه در فواصل قرآنی از نوع حذف یاء متکلم است.

۶-۸- حذف جواب قسم

قسم یکی از عوامل تأکید در کلام است که به انگیزه زدودن شک و تردید مورد استفاده قرار می‌گیرد. ساختار قسم به طور کلی شامل چهار رکن (فعل مقسم، ادات قسم، مقسم و جواب قسم) است که هر رکن ویژگی‌های خاص خود را دارد. گاهی جواب قسم در جمله حذف می‌شود و آن زمانی است که مقسم بر مقسم علیه دلالت کند طوری که با ذکر آن مقصود حاصل شود. پس حذف مقسم علیه باعث بلیغ تر شدن جمله و حفظ نظم آهنگ فواصل آیات می‌شود. به طور مثال می‌توان به آیات ۱ الی ۴ سوره‌ی فجر اشاره نمود: «وَالْفَجْرِ * وَكِيَالٍ عَشْرِ * وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ * وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ» در این سوگندها جواب قسم حذف گردیده و تقدیر آن «لتعذبن» است (زمخشری، ۱۴۰۷، ۴: ۷۴۷).

۷-۸- حذف متعلق افعال تفضیل

در افعال تفضیل همیشه باید متعلق بیاید که مشخص کند مثلاً پنهان‌تر، ماندگارتر از فلان چیز؛ اما در فواصل آیات

متعلق حذف شده است. مانند: «وَلَتَعْلَمُنَّ أَيُّنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَى» (طه، ۷۱)، «وَرَزَقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (طه، ۱۳۱). در این آیات متعلق «أبْقَى» حذف شده و موجب رعایت فواصل شده است.

۸-۸- حذف خبر

خبر عبارت است از آنچه که به مبتدا اسناد داده می‌شود و بر آن حمل می‌شود. ابن مالک درباره‌ی نقش خبر می‌گوید: «الخبر الجزء المتمم للفائدة» (ابن مالک، ۱۴۱۷: ۱۳) یعنی خبر جزئی از کلام است که فایده‌ی کلام به وسیله‌ی آن محقق می‌شود (ابن عقیل، ۱، ۱۴۰۰: ۳۱۴). خبر نیز دارای انگیزه‌های عامی جهت حذف است که یکی از دلایل آن اختصار و قرینه‌ی ماقبل است. مانند آیه مبارکه: «وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنْ قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِنْ مَحِيصٍ» (ق: ۳۶) که خبر در فاصله‌ی آیه حذف شده و موجب رعایت فواصل و ضرب آهنگ آیات شده است (کرباسی، ۱۴۲۲، ۷: ۵۷۰).

۸-۹- حذف تمیز

برای رفع ابهام از کلماتی مثل عدد، مساحت، کیل و پیمان و هر آنچه مشابه این موارد است، نیازمند تمیز است تا پیچیدگی و ابهام آن‌ها برطرف شود، اما اگر قرینه‌ای دال بر ممیز این مبهمات باشد، جایز است که تمیز حذف شود (عباس، ۱۳۹۸، ۲: ۴۱۵). مانند آیه‌ی: «عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ» (مدثر، ۳۰) که نگهبان یا فرشته به عنوان تمیز عدد، حذف شده و موجب تناسب و حفظ نظم آهنگ فواصل شده است (خضر، ۱۴۲۰: ۱۳۳). اما در غیر فواصل حذف تمیز مشاهده نمی‌شود مانند: «إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا» (یوسف، ۴)، «إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً» (ص، ۲۹) که تمیز عدد در این آیات حذف نشده است.

۸-۱۰- حذف صفت

گاهی صفت به شرط وجود قرینه حذف می‌شود، گرچه حذف آن در زبان عرب و قرآن کریم به ندرت اتفاق افتاده است (ابن جنی، ۱۳۷۱، ۲: ۳۷۱) به عنوان مثال در عبارت: «يَدْعُونَ فِيهَا بِفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ» (ص، ۵۱) صفت «کثیر» برای «شراب» با توجه به ماقبل فهم می‌شود که این حذف موجب مراعات فواصل نیز شده است. آلوسی در تفسیر خود به این گونه از حذف اشاره کرده و علت حذف را دلالت ماقبل و رعایت فاصله عنوان می‌کند (آلوسی، ۱۴۱۵، ۱۲: ۲۰۴).

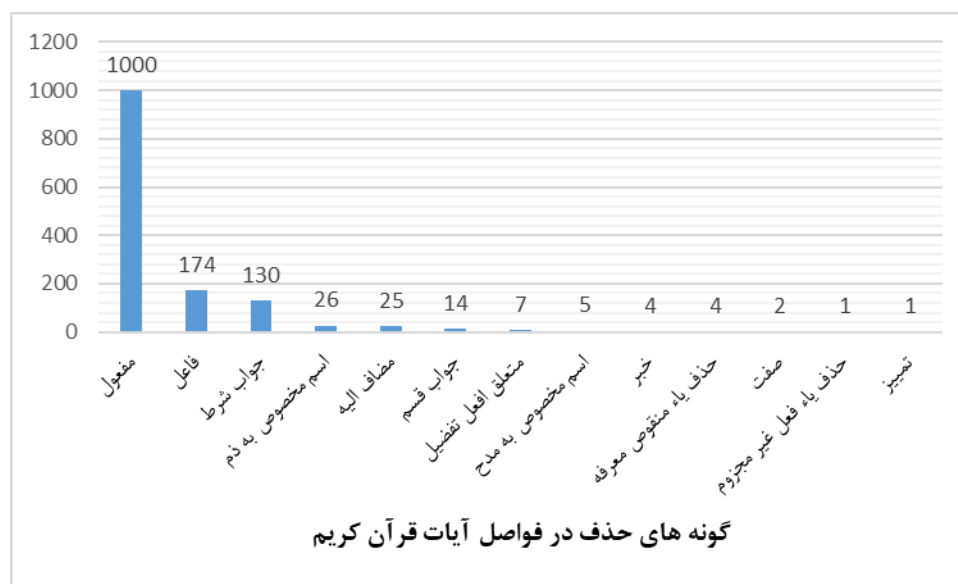
۸-۱۱- حذف یاء منقوص معرفه

اسم منقوص، اسمی است که به یاء غیر مشدد لازم ما قبل مکسور ختم شده باشد (غلائینی، ۲۰۱۳: ۱۱۸). اگر اسم منقوص معرفه به «ال» یا معرفه به اضافه باشد «یاء» آن در حالت‌های اعرابی رفع و جر ثابت باقی می‌ماند ولی ضمه و کسره بر آن ظاهر نمی‌شود. همچنین اعراب آن در این دو حالت تقدیری است (فقهی زاده، ۱۳۹۵: ۴۴۳-۴۴۴). اما در بعضی از قبایل عرب حذف یاء در دو حالت رفع و جر در زمانی که اسم منقوص معرفه به «ال» باشد جایز شمرده شده است (الحسنی، ۱۴۳۷: ۷۷۹)؛ که این اسلوب را می‌توان در فواصل قرآنی مشاهده نمود. مانند: «عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ

الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ» (رعد، ۹). در این آیه از «متعال» حرف یاء که لام الفعل کلمه است حذف شده و به سبب آن، میان فواصل آیات هماهنگی ایجاد شده است (سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۱۹۲؛ مرسی، ۱۴۲۰: ۹۸؛ أبو حسان، ۱۴۳۱: ۱۹۸).

۱۲-۸- حذف یاء در فعل غیر مجزوم

فعلی که در ریشه‌ی خود دارای یکی از سه حرف (واو، الف و یاء) است و دچار تغییرات زیادی می‌شود فعل معتل نام دارد (ابن یعیش، بی تا، ۱۰: ۵۵). در مضارع فعل ناقص یائی زمانی که فعل مجزوم می‌شود حرف «یاء» واجب است که حذف شود. اما در بعضی از قبایل عرب جایز است که در فعل غیر جازم نیز «یاء» آن به منظور تخفیف و مراعات فواصل حذف شود (الحسنی، ۱۴۳۷: ۷۸۰) که این ساختار فقط در فاصله‌ی آیه‌ی ۴ سوره‌ی فجر مشاهده می‌شود: «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرَّ». در این آیه از سوره‌ی فجر حرف «یاء» از پایان «یسر» بدون آنکه این فعل مجزوم شده باشد حذف شده است. نمودار ذیل، گونه‌های حذف در فواصل و میزان فراوانی آنها را در کل قرآن کریم نمایش می‌دهد:



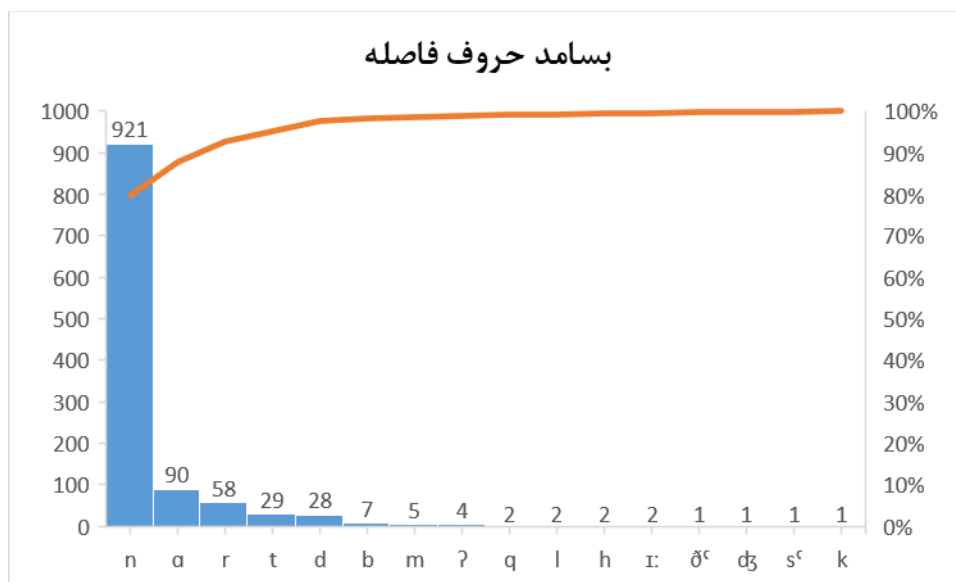
با توجه به موارد فوق و مثال‌هایی که ذیل هر گونه مورد استشهاد قرار گرفته می‌توان نتیجه گرفت، آنچه در درجه‌ی اول اهمیت قرار دارد جنبه‌ی لفظی، ظاهری و زیباشناختی فواصل است، نه اینکه دیگر احتمالات را باید رد و انکار کرد. قرآن به عنوان سخن خداوند ظرفیت قبول چندین احتمال را در یک مورد مشخص دارد. البته باید اشاره کرد که بیشتر مفسران در زمینه‌ی اسلوب حذف در فواصل آیات آن گونه که شایسته است وارد نشده و در مواردی نیز به جنبه‌ی ظاهری و توافق فواصل اشاره کرده‌اند، همراه با احتیاط است و سعی کرده‌اند بلافاصله یا قبل از آن به جنبه‌ی معنایی و محتوایی اشاره نمایند. در صورتی که در مورد حذف در فواصل، جنبه لفظی و ظاهری یعنی توافق و تناسب فواصل منهای جنبه‌ی معنایی و محتوایی از درجه‌ی اهمیت بسیار بالایی برخوردار است و این اسلوب به موسیقایی شدن متن و حفظ هارمونی فواصل انجامیده است، که یکی از ویژگی‌های اعجاز لفظی قرآن محسوب می‌شود. بنابراین می‌توان غرض لفظی «مراعات فواصل» را در کنار دیگر احتمالات لفظی و معنوی، به همه‌ی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده و همچنین به همه‌ی

گونه‌های نحوی حذف در فواصل استناد داد. آیت‌الله معرفت می‌نویسد: «بدون تردید ریتم هماهنگ در مقاطع فواصل ترجیح دارد و به دلیل تأثیر آن در تعدیل لحن گفتار و اثرگذاری خوب آن بر روح بسیار بر آن تأکید شده‌است. هنگامی که بین مراعات فواصل و مراعات قواعد زبانی و لفظی تراحم به وجود می‌آید، مراعات فاصله ترجیح دارد. همانگونه که در شعر و سجع و هر کلام ریتمی اینگونه است (معرفت، ۱۳۸۶، ۵: ۲۲۲-۲۲۵). هماهنگی آوایی در پایان آیات به حدی است که در دو آیه‌ی کنار هم، یا به واکه‌ها و همخوان‌های یکسان ختم شده‌اند (متماثل) و یا از دیدگاه واج شناسی در یک طبقه‌ی طبیعی قرار می‌گیرند (مقارَب) بسان: /m/ و /n/ و /d/ و /b/ هیچ‌گاه دو حرف دور از هم، در فاصله‌هایی که جفت یکدیگرند، قرار ندارد (زرکشی، ۱۴۱۰، ۱: ۷۵).

۹- تحلیل داده‌ها

واج پایانی فواصل آیات با در نظر گرفتن مکث پایانی (حالت وقف) برای هر آیه تعیین شده‌است. البته تناسب و هماهنگی فواصل نیز در صورتی حفظ خواهد شد که وقف بر آنها اعمال شود، در غیر اینصورت با توجه به اختلاف حرکت‌ها و اعراب، تناسب و هماهنگی در بسیاری از فواصل منتفی است (حسنای، ۱۴۰۶: ۱۳۵-۱۳۷).

در مقاله‌ی حاضر، به دلایل متعددی تنوین پایان آیات لحاظ نشده‌است که پیش از پرداختن به آنها ارائه پاره‌ای از توضیحات ضروری می‌نماید. در متن قرآن سه نوع درج پایانی (paragoge) یا به عبارتی اضافه کردن یک واج یا هجا به پایان کلمه در محیط‌های آوایی خاص صورت می‌گیرد. یکی از این موارد، اضافه کردن خیشومی تیغه‌ای /n/ یا به بیان دیگر، نون ساکن زائد یا تنوین به پایان برخی اسم‌ها در بافت‌های خاص است. دست‌نویسان سنتی، تنوین یا همان افزودن خیشومی /n/ را تنها منحصر به سطح آوایی می‌دانند. از نظر ساختوازی می‌توان /n/ را تکواژی در نظر گرفت که به گروه خاصی از اسم‌های نکره افزوده می‌شود. در واقع این همخوان تنها به برخی از اسم‌های نکره و آن هم در جایگاه غیرپایانی اضافه می‌شود و هرگاه پس از این کلمه حالت وقف یا درنگ صورت بپذیرد، این خیشومی تیغه‌ای دیگر تلفظ نمی‌شود (۲۰۰۰، gadoua). برای نمونه: muħri:tʃun → muħri:tʃ یا nasʃi:ran → nasʃi:ra. اعمال این فرآیندها حاکی از آن است که حضور تنوین در جایگاه پایانی آیه هنگام مکث مجاز نیست. علاوه بر این، برخی محققان از جمله الدبی و ابراهیم أنیس معتقدند که تنوین یک مشخصه‌ی آوایی افزوده شده به فواصل قرآنی است که به کارگیری آن تنها یک جنبه‌ی زیباشناختی داشته و هدف آن دستیابی به یک هارمونی موسیقایی در پایان آیات است (Aldubai, ۲۰۱۵: ۷۵-۶۲؛ أنیس، ۱۹۷۵: ۳۲). واج پایانی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده در نمودار زیر مشهود است.



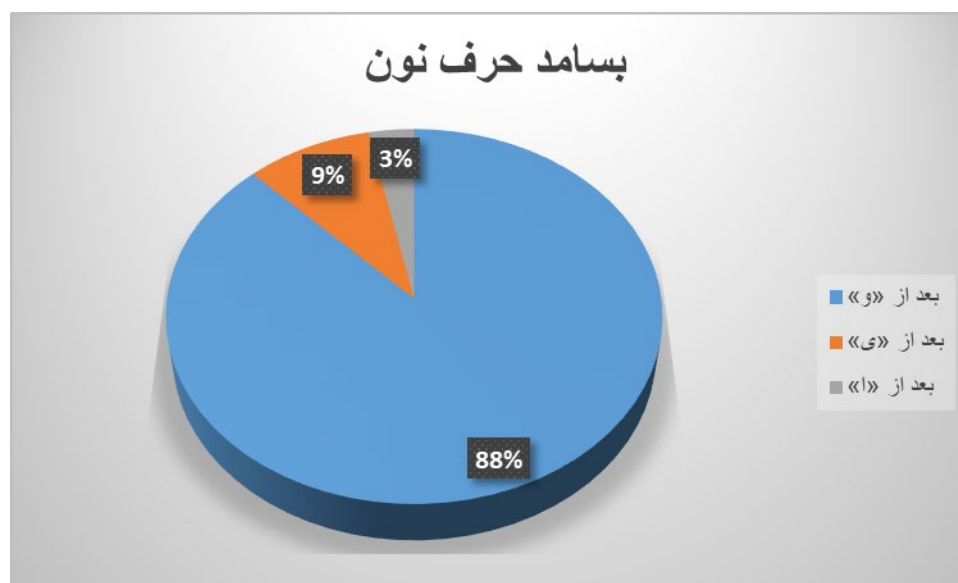
همانطور که داده‌های نمودار فوق نشان می‌دهد از مجموع ۲۸ واجی که در جایگاه پایانی فواصل ظاهر می‌شوند، تنها ۱۴ واج در آیاتی قرار گرفته‌اند که در فواصل آنها ایجاز حذف رخ داده‌است. بررسی موقعیت واکه‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۶ واکه‌ی زبان عربی، تنها دو واکه‌ی کشیده در این جایگاه به چشم می‌خورد. از میان واکه‌های کشیده، واکه‌ی افتاده [a] بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌است و بیشترین موارد ناشی از کلماتی است که حرف آخر آنها دارای تنوین نصب بوده و در حالت وقف، توالی [an] با واکه افتاده و کشیده [a] جایگزین شده و به الف مدی تبدیل شده‌است. این واکه موسیقی ویژه‌ای در لحن آیات پدید می‌آورد که اگر وجود نمی‌داشت، از زیبایی موسیقایی سور کاسته می‌شد (خرقانی، ۱۳۹۸: ۱۵۹). سیبویه در الکتاب می‌گوید: «اما زمانی که عرب زبان بخواند کلام را مترنم کند الف و یاء را ملحق می‌کند چه منون و چه غیر منون باشد، زیرا او امتداد صوت را اراده کرده‌است» (سیبویه، بی تا، ۲: ۲۰۴).

پربسامدترین واج‌ها در جایگاه پایانی عبارت اند از: $n > r > t > d > b$. همانطور که مشاهده می‌شود همخوان‌هایی با میزان رسایی بالاتر، پربسامدترین همخوان‌ها در جایگاه پایانی فواصل را تشکیل می‌دهند. بیشتر فواصل قرآنی به واکه‌ای که در درون خیشومی رهش می‌یابد، ختم می‌شوند که این امر این امکان را برای قاری فراهم می‌سازد که آن را به صورت آهنگین تلاوت کند.

همخوان /n/ با قرار گرفتن در پایان ۳۱۵۲ آیه یعنی بیش از نیمی از آیات بیشترین بسامد را دارد. در آیاتی در فواصل آنها حذف رخ داده نیز این همخوان خیشومی (nasal) با اختلاف زیادی نسبت به دیگر همخوان‌ها یعنی ۸۰٪ آیات را در برمی‌گیرد؛ در حالیکه اگر حذف در فواصل اتفاق نمی‌افتاد این زیبایی و قابلیت ترنم و آواز در فواصل مشاهده نمی‌شد و این امر نشان دهنده‌ی اهمیت رعایت فواصل و نظام موسیقایی در قرآن کریم است.

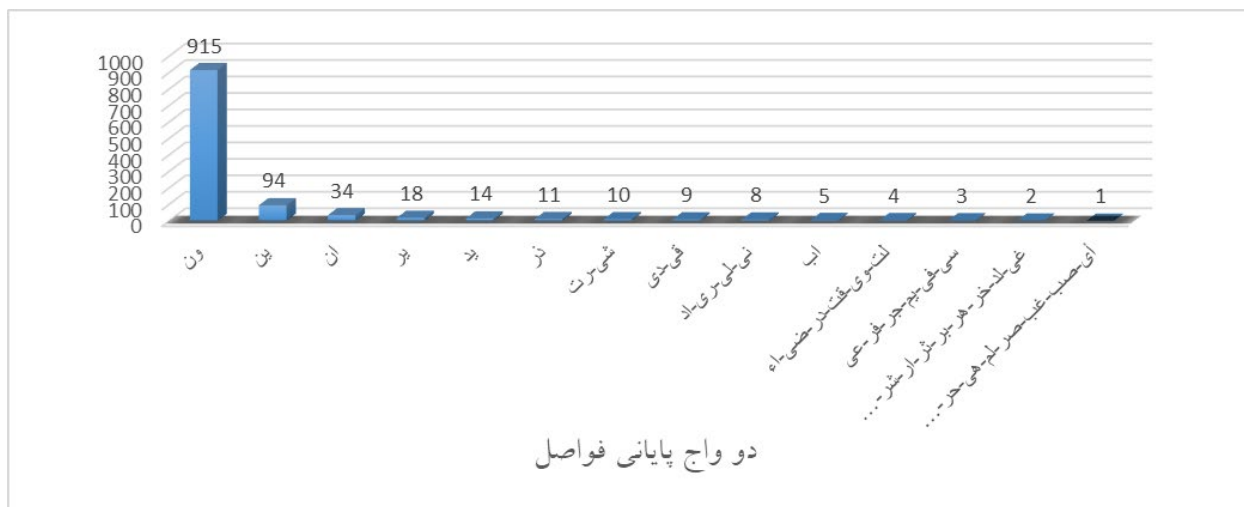
سیبویه می‌نویسد اگر عرب زبان بخواند متنی را با آهنگ قرائت کند، رهش واکه‌ها را در درون /m/ و /n/ انجام می‌دهد (سیوطی، ۱۴۲۱، ۳: ۳۵۹). این همخوان به دلیل بسته نشدن راه تنفس هنگام تلفظ آن و جریان داشتن هوا در خیشوم موجب آرامش، راحتی و اطمینان خاطر قاری می‌شود (نجاریان، ۱۳۸۵: ۳۳۳-۳۳۴).

قابلیت ترنم و آواز همخوان /n/ بعد از واکه‌های کشیده بیشتر نیز می‌گردد. از همین رو در ۹۱۵ آیه بعد از «U»، در ۹۴ آیه بعد از «I:» و ۶۸ آیه نیز با «a» به کار رفته است. قرار گرفتن /n/ بعد از حروف مدی در نمودار زیر روشن است:



همخوان‌های /m/ /n/ و واکه‌ی کشیده /a/ از هجاهای طبیعی برای تنغیم، تطریب، ترنم و ایقاع بوده و باعث آهنگ و موسیقی فواصل آیات شده که در نظم آهنگ کل سوره تأثیرگذار است (رک: رافعی، بی تا، ۲: ۱۴۳-۱۴۴، خضر، ۱۴۲۰: ۲۰۳، حشاش، ۱۴۲۸: ۱۴۰). بعضی معتقدند: «در بیشتر موارد می‌بینیم که پیش از حروف پایانی یکی از حروف مد قرار گرفته‌است، وجود این مدها در پایان فواصل و ختم شدن به حرفی همانند نون و الف زمینه را برای ترنمی دل نواز، اوجی شورانگیز و فرودی زیبا، در بستری روح انگیز در قرائت قرآن فراهم می‌سازد (خرقانی، ۱۳۹۸: ۱۹۴). پایان یافتن فواصل آیات با حروف مد و لین و الحاق همخوان /n/ در بیش از نیمی از آیات همه برای آن است که با استفاده از طبیعت این حروف و آواز و ترنم حاصل شده از آنها شور و نشاط و طربی در خواننده و شنونده ایجاد می‌شود و روشن است که تأثیر این شور و نشاط در دل و جان چگونه است (رک: سیبویه، بی تا، ۱: ۳۸۴، سیوطی، ۱۴۲۱، ۲: ۲۹۰-۲۹۱؛ معرفت، ۱۳۸۶، ۵: ۲۲۷، ابوزید، ۱۹۹۲: ۳۵۳، عامر، ۱۹۸۸: ۲۱۶، لاشین، ۱۴۰۲: ۴، بیومی، بی تا: ۳۷؛ یاسوف، ۱۴۲۷: ۴۶۱؛ شحود، بی تا: ۲۶۲).

در بررسی دو واج پایانی فواصل، بیشترین بسامد به «U:n»، «I:n» و «an» تعلق دارد که الحاق /n/ به واکه‌های کشیده موجب ترنم و زیبایی آوایی در کلام عرب می‌شود. در نمودار زیر مشخصات آماری دو واج پایانی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده آمده‌است:



بنابراین ۸۱٪ دو واج پایانی فواصل را حرف نون مردوف به حرف مد و یا لین تشکیل می دهد. همخوان /r/ در طبقه‌ی طبیعی لرزشی قرار می گیرد و دارای مشخصه‌های [-هجایی: syllabic]، [+همخوانی: consonant]، [+واک]، [-افراشته]، [+رسا] و [-خیشومی] است.

طبقه‌ی طبیعی خیشومی به همراه طبقه‌ی طبیعی لرزشی، طبقه‌ی بزرگتری به نام «رساها» (sonorants) را تشکیل می دهند. در تولید همخوان‌های رسا، اندام‌های گفتاری به حدی از هم دور می شوند که حجم زیادی از هوا در مجرای دستگاه گفتار به حرکت در می آید، بدون اینکه نوفه یا اغتشاشی به همراه داشته باشد، به همین دلیل، آواهای تولید شده از ویژگی «بلندی» (loudness) برخوردار است (رک: کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۲). در آواشناسی و واج شناسی، مقیاس‌هایی پیشنهاد شده است که بیانگر میزان نسبی رسایی آواهاست. در این مقیاس، بالاترین عدد رسایی در بین همخوان‌ها به «رساها» اختصاص دارد. با توجه به اینکه ۹۲/۹٪ همخوان‌های پایانی آیات به رساها ختم می شوند، می توان یکی از دلایل فراوانی همخوان‌های رسا در فواصل محذوف را رسایی، روانی و زیبایی لحن و صوت قرآن دانست که به واسطه‌ی این همخوان‌ها ایجاد می شود.

همخوان‌های /t/، /d/ و /b/ در طبقه‌ی طبیعی، «انفجاری» (stop) قرار می گیرند. در این طبقه تارها کاملاً بر هم منطبق شده چاکنای به طور موقت بسته شده و هوای بازدم پشت آن حبس می شود سپس به طور ناگهانی و با فرمان مغز باز شده و هوا با فشار به خارج رانده می شود (أنیس، ۱۹۷۵: ۱۲). این سه آوا در مشخصه‌های واجی [±واک: voiced]، [±نرم]، [±سخت]، [±لبی]، [±گرد]، [±جلودهانی] با یکدیگر تفاوت دارند. همخوان /t/ مشخصه‌ی [±چاکنای باز] دارد. همخوان‌های /d/ و /b/ دارای این مشخصه نمی باشند. اما در دیگر مشخصه‌های [-هجایی: syllabic]، [+همخوانی: consonant]، [+رهش دفعی]، [+گرفته] و [-خیشومی] همانند همخوان /t/ هستند. طبقه‌ی طبیعی انفجاری در طبقه‌ی بزرگتری به نام «گرفته‌ها» (obstruent) قرار می گیرند، که همخوان‌های گرفته نقطه مقابل مشخصه رسا می باشد که در انسدادیها، سایشیها و انسایشیها وجود دارد. ابراهیم آنیس می گوید: راحت ترین کلمات برای تلفظ، آن کلماتی هستند که از این واج‌ها ترکیب یافته اند: «ل»، «ن»، «م»، «د»، «ت»، «ب» و حروف مد. (همان: ۳۳)

دو همخوان /d/ و /b/ دارای صفت قلقله (concession/qalgalah) هستند که فراوانی حروف قلقله در فواصل آیات یکی از ویژگی‌های بارز آوایی قرآن محسوب می‌شوند (رافعی، ۱۳۹۳: ۲۱۵-۲۱۷). از منظر آواشناسی تولیدی، تولید هر آوا شامل سه مرحله‌ی گرایش، گیرش و رهش است و امکان حذف هر مرحله وجود دارد اما در ادای حروف قلقله این سه مرحله باید صورت پذیرد تا در هنگام شنیدن به درستی شنیده شود. علاوه بر این، آواها همگی دارای صفت جهر و شدت هستند و این باعث می‌شود تا در حالت سکون، صدای حرف به طور کامل حبس شود و برای ادای صحیح حروف، ایجاد صدایی شدید و قوی بشود (ستوده نیا، ۱۳۷۸: ۷۸). همچنین قلقله منجر به صرفه جویی مقدار زیادی در زمان فرکانس می‌شود که به سرعت و روانی گفتار کمک می‌کند (استیتیئه، ۱۴۳۴: ۲۰۶-۲۱۰).

همانطور که داده‌ها نشان می‌دهد می‌توان رابطه‌ای بر پایه‌ی ویژگی‌های مشترک واجی میان واح‌های پایانی فواصل محذوف تبیین نمود. همین ویژگی مشترک باعث آهنگین شدن کلام می‌شود. این ارتباط و توازن آشکار کننده‌ی حکمت زیبایی شناختی اسلوب حذف در فواصل آیات است؛ در حالیکه اگر حذف اتفاق نمی‌افتاد این هماهنگی آوایی در فواصل مشاهده نمی‌شد. الگوی آوایی اسلوب حذف در فواصل بر اساس بیشترین فراوانی واح‌ها، در طبقه‌ی خیشومی، تکریری و انفجاری قرار می‌گیرد و این نشان دهنده‌ی اهمیت موسیقی، توازن و اعجاز بیانی در سبک و نظم خاص فواصل قرآن است.

۱۰- حذف حرف یاء در فواصل

تقریباً در ۸۹ آیه واج «یاء» در فواصل، حذف شده‌است. البته این حذف اختصاصی به فواصل نداشته و در غیر آن نیز رخ داده، اما در فواصل بیشتر است. حذف این هجا هم در افعال و هم در اسماء صورت می‌گیرد. حذف «یاء» در ۵ مورد اصلی و جزء ریشه کلمه است و در ۸۴ مورد غیر اصلی و یاء متکلم بوده‌است. حذف یاء در ۲۹ مورد موجب رعایت فواصل و در ۶۰ مورد منجر به اختتام آیات به خیشومی /n/ شده‌است.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد نتایج زیر حاصل می‌شود:

۱- تناسب و هماهنگی در کلام جایگاه ویژه‌ای در زبان عربی دارد. در قرآن کریم ضمن مشاهده هماهنگی و تناسب در فواصل، دگرگونی و تغییراتی از نظر لفظی و ساختار ادبی مشاهده می‌شود که یکی از انواع آن اسلوب حذف در فواصل آیات است.

۲- اسلوب حذف در فواصل سیزده گونه است: «حذف مفعول به»، «حذف فاعل»، «حذف جواب شرط»، «حذف اسم مخصوص به مدح»، «حذف اسم مخصوص به ذم»، «حذف مضاف‌الیه»، «حذف جواب قسم»، «حذف متعلق افعال تفضیل»، «حذف خبر»، «حذف تمیز»، «حذف صفت»، «حذف یاء منقوص معرفه»، «حذف یاء فعل غیر مجزوم».

۳- از مجموع ۲۸ واجی که در جایگاه پایانی فواصل ظاهر می‌شوند تنها ۱۴ واج در آیاتی قرار گرفته‌اند که در فواصل آنها ایجاز حذف رخ داده‌است. بررسی موقعیت واکه‌ها نشان می‌دهد از مجموع ۶ واکه‌ی زبان عربی تنها دو واکه کشیده در

این جایگاه به چشم می‌خورد. بیشترین بسامد به ترتیب به واج‌های $n > r > t > d > b$ اختصاص دارد.

۴- با شناسایی طبقات طبیعی واج‌هایی که بیشترین بسامد را داشته‌اند، معلوم شد که از میان واژه‌های کشیده، واژه افتاده [a] بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌است و موجب ایجاد موسیقی و لحن ویژه‌ای در آیات شده‌است.

۵- از میان واج‌های عربی، همخوان /n/ که بیشترین حالت غنه را دارا می‌باشد، بالاترین بسامد را در پایان آیات قرآن دارد.

۶- همخوان خیشومی /n/ و همخوان لرزشی /r/ در طبقه‌ی بزرگتری به نام رساها قرار می‌گیرند. ۹/۹۲٪ همخوان‌های پایانی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده به رساها ختم می‌شوند لذا این امر موجب رسایی، روانی و زیبایی لحن و صوت قرآن شده‌است.

۷- همخوان‌های /t/، /d/ و /b/ در طبقه‌ی انفجاری‌ها قرار می‌گیرند که نسبت به همخوان‌های رسا از فراوانی کمتری برخوردارند که از دیدگاه زبان‌شناسیسان این همخوان‌ها از جمله راحت‌ترین واج‌ها از جهت جایگاه تولید و دیگر مشخصه‌های واجی هستند؛ به خصوص در دو همخوان /d/ و /b/ که دارای صفت قلقله هستند و همین ویژگی موجب صرفه جویی مقدار زیادی در زمان فرکانس، سرعت و روانی گفتار می‌شود.

۸- ۸۱٪ دو واج پایانی فواصل را حرف نون مردوف به حرف مد و یا لین تشکیل می‌دهد، زیرا الحاق /n/ به واژه‌های کشیده موجب ترنم و زیبایی آوایی در کلام عرب می‌شود.

۹- در تحقیق حاضر به منظور دستیابی به الگوی خاصی برای توازن آوایی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده، واج‌هایی که بیشترین بسامد را داشتند با تکیه بر مشخصات و ویژگی‌های نظام واجی زبان عربی مورد بررسی قرار گرفت و این نتیجه حاصل شد که واج پایانی آیات در طبقات خیشومی، تکریری و انفجاری قرار می‌گیرند و دیگر طبقات طبیعی همچون سایشی، انسایشی، غلتی و ... در این اسلوب مشاهده نمی‌شود.

۱۰- به دلیل اهمیت بالای توافق و تناسب فواصل می‌توان غرض لفظی «مراعات فواصل» را در کنار دیگر احتمالات لفظی و معنوی، به همهی آیاتی که در فواصل آنها حذف رخ داده و به تمام گونه‌های نحوی حذف در فواصل استناد داد. در صورتی که اگر حذف در فواصل اتفاق نمی‌افتاد این تناسب و توازن محقق نمی‌شد و این هماهنگی و هارمونی، با این ساختار و الگوی آوایی در مقاطع آیات مشاهده نمی‌شد.

پیشنهاد

بسیاری از سوره‌های قرآن به واژه‌ها و همخوان‌های یکسان ختم شده‌اند. برخی دیگر با وجود نداشتن واژه‌ها و همخوان‌های یکسان در فواصل، موزون و گوشنوازند. به نظر می‌رسد برای برخی فواصل صوری متفاوت، می‌توان رابطه‌ای بر پایه‌ی برخی مشخصه‌های تمایزدهنده‌ی واجی و در قالب طبقات طبیعی تبیین نمود؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود تا با استفاده از سوره پژوهی قرآن کریم، مطالعات تکمیلی برای شناخت اسباب و علل این تفاوت آوایی و تأثیر موسیقایی آن و نقش آن در یکپارچه‌سازی متن سوره و ارائه‌ی تحلیل‌های دقیق‌تر صورت گیرد.

منابع

- قرآن کریم

- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۰۴): «تاریخ ابن خلدون»، بیروت: دارالفکر
- ابن عقیل، بهاءالدین عبد الله (۱۴۰۰)، «شرح ابن عقیل»، قاهره: دارالتراث.
- ابن مالک اندلسی، محمد بن عبد الله (۱۴۱۷): «الفیه»، قم: نوید اسلام.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴): «لسان العرب»، بیروت: دارصادر.
- ابن یعیش، موفق الدین (بی تا)، «شرح المفصل، الجزء العاشر»، مصر: ادارة الطباعة المنبرية.
- ابن خالویه، حسین بن احمد (۱۴۱۳)، «اعراب القراءات السبع و علمها»، قاهره: مكتبة الخانجي.
- ابو زيد، احمد (۱۹۹۲): «التناسب البياني في القرآن، دراسة في النظم المعنوي والصوتي»، رباط: مطبعة الجديدة الدار البيضاء.
- ابو حسان، جمال محمود (۱۴۳۱): «الدلالات المعنوية لفواصل الآيات القرآنية»، عمان: دارالفتح.
- أنيس، ابراهيم (۱۹۶۶)، «من أسرار اللغة»، قاهره: مكتبة الأنجلو المصرية.
- _____ (۱۹۷۵): «الاصوات اللغوية»، مصر: مكتبة الانجلو المصرية.
- آخوندي، علی اصغر (۱۳۹۵): «بررسی تطبیقی تعاریف فاصله‌ی قرآنی»، مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)، ۱۱ (۴۴)، ص ۸۱-۹۶.
- _____ (۱۳۹۹): «بازسامانی دیدگاه‌ها و گونه‌های ساختارشکنی لفظی و ادبی در فواصل قرآن»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۸ (۳)، ص ۱-۲۶.
- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی»، بیروت: دارالکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- باقلانی، قاضی ابوبکر محمد بن طیب (۱۴۲۱): «اعجاز القرآن»، بیروت: دارالکتب العلمیة
- بقاعی، ابراهیم بن عمر (۱۴۲۷)، «نظم الدرر فی تناسب الآيات و السور»، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.
- بنت الشاطی، عایشه (۱۴۰۴)، «الإعجاز البياني للقرآن و مسائل ابن الأزرق»، قاهره: دار المعارف.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸): «انوار التنزیل و اسرار التاویل»، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیومی، السباعی السباعی (بی تا): «الفاصلة و بداعة الاسلوب»، بی جا، بی نا.
- تاج آبادی، فرزانه و مریم قیاس زارعیان (۱۴۰۰): «هنجارگریزی زبانی فواصل آیات از دیدگاه ابن صائغ (مطالعه‌ی موردی ۵ جزء آغازین قرآن)»، پژوهش‌های ادبی-قرآنی، ۹ (۳)، ص ۸۹-۱۰۴.
- الجرجانی، عبد القاهر (۱۹۸۲): «المقتصد فی شرح الايضاح»، تحقیق: کاظم بحر المرجان، بغداد: دارالرشید.
- حسناوی، محمد (۱۴۰۶): «الفاصلة فی القرآن»، بیروت: دارالمکتب الاسلامی.
- الحسنی، مکی (۱۴۳۷): «حذف یاء المتکلم و ثلاث یاءات آخر»، المجمع اللغة العربية بدمشق، ۹۶ (۳)، ص ۷۷۷-۷۸۱.

- حشاش، موسى مسلم سلام (۱۴۲۸): «الاعجاز البياني في الفاصلة القرآنية، دراسة تطبيقية على سورة النساء»، غزة: الجامعة الإسلامية.
- خرقاني، حسن (۱۳۹۰): «فراهنجاری‌های ادبی در فواصل آیات و تفسیرهای زیباشناسانه و معناشناسانه آن»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، ۴۳(۲)، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- _____ (۱۳۹۸): «زیبایی شناسی قرآن از نگاه بدیع»، مشهد: انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ابن جنی، ابوالفتوح عثمان (۱۳۷۱)، «الخصائص»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- خضر، السيد (۱۴۲۰): «الفواصل القرآنية: دراسة بلاغية دلالية»، قاهره: مكتبة الآداب.
- خضری، محمد امین (۱۴۱۴): «من أسرار المغایرة في نسق الفاصلة القرآنية»، قاهره: بی نا.
- خطیب، عبدالکریم (۱۳۹۵): «اعجاز القرآن في دراسة كاشفة لخصائص البلاغية و معاييرها (الاعجاز في مفهوم جديد)، بیروت: دارالمعرفة.
- دادمک، خالق و محمود آصف (۲۰۱۱): «الجمال البلاغی في الحذف القرآنی برعاية الفواصل عند المفسرين والبلاغيين (دراسة تحليلية بلاغية)»، القسم العربي، ۳(۱۸)، ص ۷۵-۹۶.
- الدانی، عثمان بن سعید (۱۴۱۴): «البيان في عد آي القرآن»، كويت: مركز المخطوطات والتراث.
- رافعی، محمدصادق (بی تا): «تاریخ آداب العرب»، بیروت: دار الكتاب العربي.
- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۹۳): «اعجاز القرآن والبلاغة النبوية»، بیروت: دارالكتاب العربي.
- مانی، علی بن عیسی (۱۴۲۹): «النكت في اعجاز القرآن»، قاهره: دارالمعارف.
- زجاج، ابراهیم بن سری (۱۴۱۶)، «اعراب القرآن»، قم: دار التفسیر.
- زرکشی، بدرالدین (۱۴۱۰): «البرهان في علوم القرآن»، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: دارالمعرفة.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷): «الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل»، بیروت: دارالکتب العربي.
- زویعی، طالب محمد اسماعیل (۱۹۹۶)، «من أساليب التعبير القرآني»، بیروت: دارالنهضة العربية.
- سامرائی، فاضل صالح (۱۹۸۷)، «التعبير القرآني»، بغداد: دارالحكمة.
- ستوده نیا، محمدرضا (۱۳۷۸): «بررسی تطبیقی میان تجوید و آواشناسی»، تهران: رایزن.
- سمین، احمد بن یوسف (۱۴۱۴): «الدر المصون في علوم الكتاب المکنون»، لبنان: دارالکتب العلمیه؛ منشورات محمد علی بیضون.
- سیبویه، عمرو بن عثمان (بی تا). «الكتاب»، بی جا.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱): «الاتقان في علوم القرآن»، بیروت: دارالكتاب العربي.
- شحود، علی بن نایف (بی تا): «الاعجاز اللغوی والبیانی في القرآن الکریم»، طنطا: دارالصحابه للتراث.
- شریعت، محمد جواد (۱۳۷۰): «چهارده روایت در قرائت قرآن مجید»، سازمان تبلیغات اسلامی.
- شریف استیتیة، سمیر (۱۴۳۴): «حروف قلقله دراسة فيزيائية مخبرية»، جامعة ام القرى (العلوم واللغات و آدابها)، ۶(۱۰)،

ص ۱۹۳-۲۳۸.

- صافی، محمود بن ابراهیم (۱۴۱۸): «الجدول فی اعراب القرآن»، دمشق: دارالرشید.
- الصبان، محمد بن علی (۱۴۲۵): «حاشیة الصبان علی شرح الاشمونی علی الفیة ابن مالک و معه شرح الشواهد للعینی»، تحقیق: عبدالحمید هنداوی، بیروت: المكتبة العصرية.
- صبری، احمد محمد (۱۴۲۹): «الاعجاز والبیان فی فواصل القرآن الکریم»، طنطا: دارالصحابة للتراث.
- صفائی حائری، علی (۱۳۸۱): «استاد و درس (صرف و نحو)، قم: لیلۃ القدر.
- صفوی، کوروش (۱۳۸۷): «درآمدی بر معناشناسی»، تهران: پژوهشکده فرهنگ و هنر اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: جامعہ مدرسین.
- طبق، عبدالجواد محمد (۱۴۱۳)، «دراسة بلاغیة فی السجع والفاصلة القرآنیة»، بیروت: دار الأرقم للطباعة والنشر والتوزیع.
- عامر، فتحی احمد (۱۹۸۸): «فكرة النظم بین وجوه الاعجاز فی القرآن الکریم»، اسکندریه: المعارف.
- عباس، حسن (۱۳۹۸): «النحو الوافی مع ربطه بالأسالیب الرفیعة و الحیاة اللغویة المتجددة»، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- عظیمه، محمد عبدالخالق (۱۴۰۴): «دراسات لاسلوب القرآن الکریم»، قاهره: مصر.
- علی الصغیر، محمد حسین (۱۴۲۰)، «الصوت اللغوی فی القرآن»، بیروت: دارالمورخ العربی.
- غلائینی، مصطفی بن محمد سلیم (۲۰۱۳): «جامع الدروس العربیة»، تحقیق و تعلیق: علی عبدالسمیع، ثناء محمد سالم، محمد محمود القاضی، قاهره: دارالسلام.
- فارسی، ابوعلی (۱۹۹۹): «الحجة للقراء السبعة»، دمشق: دارالمأمون.
- فراء، یحیی بن زیاد (۱۹۸۰)، «معانی القرآن»، قاهره: الهيئة المصریة العامة للكتاب.
- فقهی زاده، عبدالهادی (۱۳۹۵): «آموزش صرف عربی»، تهران: مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- کرباسی، محمدجعفر (۱۴۲۲): «اعراب القرآن»، بیروت: دار مکتبه هلال.
- کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه (۱۳۸۵): «واج شناسی رویکردهای قاعده بنیاد»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).
- لاشین، عبدالفتاح (۱۴۰۲): «من اسرار التعبير القرآن الفاصلة القرآنیة» ریاض: دارالمریخ للنشر.
- مرسى، کمال الدین عبدالغنی (۱۴۲۰): «فواصل الآيات القرآنیة»، اسکندریه: المکتب الجامعی الحدیث.
- مطعنی، عبدالعظیم ابراهیم محمد (۱۴۱۳): «خصائص التعبير القرآنی و سماته البلاغیة»، بی جا: مکتبه وهب.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۸۶): «التمهید فی علوم القرآن»، قم: موسسه التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
- نجاریان، ماجد (۱۳۸۵): «الدلالة الصوتیة فی القرآن الکریم»، نجف: اهل البيت.
- نجفی، سیدرضا (۱۳۸۱): «سر بلاغی حذف فاعل در فعل مجهول»، بیانات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام)،

سال نهم، شماره ۳۳، ص ۸۷-۹۳.

- نحاس، ابو جعفر احمد بن محمد (۱۴۲۱): «اعراب القرآن»، بيروت: دارالكتب العلميه.
- نصار، حسين (۱۹۹۹): «الفواصل»، قاهره: مكتبة صر.
- هايمن، لاري (۱۳۸۶): «نظام آوايي زبان، نظريه و تحليل»، ترجمه: يدالله ثمره، تهران: انتشارات فرهنگ معاصر.
- ياسوف، احمد (۱۴۲۷): «دراسات فنيه في القرآن الكريم»، دمشق: دارالمكتبي.
- يافى، نعيم (۱۴۰۴): «قواعد التشكل النغم في الموسيقى»، التراث العربي، ۶(۱۵-۱۶)، ص ۱۳۲-۱۵۳.

- ۱- Aldubai, N.A. (۲۰۱۵). On the Phonetic Consonance in Quranic Verses-Final Fawāsil. *Advances in Language and Literary Studies*, Vol. ۶, ۳: ۶۱-۷۶.
- ۲- Gadoua, A. H. (۲۰۰۰). Consonant Clusters in Quran Arabic. *Cahiers Linguistiques d'Ottawa*, ۲۸: ۵۹-۸۵.
- ۳- Newman, D.L. (۲۰۰۲). "The phonetic status of Arabic within the world's languages: the uniqueness of the lu Al-d+Aad". In *Antwerp papers in Linguistics (APIL)*, University of Antwerp.